

تاریخ آموزش و پرورش در ایران

بخش دوم



فاطمه محمودیان

قرآن کریم، پاره‌ای از لغات عربی کم‌کم در زبان پهلوی (فارسی) راه یافت. اولین مکان تعلیم و تربیت در اسلام، مسجد و محور این آموزش و پرورش قرآن کریم بود. مساجد ایران همانند مساجد تمام ممالک اسلامی، هم محل عبادت و پرستشگاه مسلمین به شمار می‌رفتند و هم به عنوان مرکز علمی - آموزشی مورد استفاده قرار می‌گرفتند. این اوضاع و شرایط، از همان ابتدای اسلام در ایران نیز مشهود است، با این تفاوت که در ایران، مراکز تعلیم و تربیت زودتر و سریع‌تر از سایر بلاد اسلام از مساجد جدا گشت.

مکتب‌خانه‌ها

اهمیت بسیاری که دین اسلام برای علم و علم‌آموزی قائل است، عامل توسعه و رشد مراکز آموزش و مکتب‌خانه‌ها شد. از همان قرون اولیه‌ی هجری، مسجد محل پرورش و خاستگاه تفکرات بزرگی شد که در قرون بعد، علوم اسلامی را شکل داد و به اوج رساند. جویندگان دانش از نقاط دیگر به مساجد کشیده شدند و به تدریج در حجره‌ها سکنا گزیدند. لذا مسجد دیگر نمی‌توانست نیازهای آموزشی را برآورد. وقتی تعداد کودکان تحت تعلیم بیش از پیش افزایش یافت، آموزش کودکان به تدریج از مسجد جدا و در محل‌ها و گذرهای دورتر تشکیل و در مکتب‌خانه‌ها متمرکز شد. به هر صورت، علت جدایی مکتب از مسجد را کثرت دانش‌آموزان

کلیدواژه: ایران، آموزش و پرورش، مسجد، مکتب‌خانه.

اشاره

تاریخ آموزش و پرورش ایران در دوره‌ی باستان، موضوعی بود که در شماره‌ی قبل به توضیح آن نشستیم. اما در دوره‌ی ایران اسلامی، نظام آموزش و پرورش کشور ما تغییرات زیادی به خود دید. از جمله این که مکتب و مکتب‌خانه، به عنوان نخستین محل آموزش و تربیت در ایران پا گرفت.

مسجد، محور آموزش و پرورش

با ورود اسلام به ایران، دو گونه تعلیم و تربیت در آن واحد در ایران رواج داشت: یکی مخصوص کسانی که به دین نیاکان خود باقی مانده بودند و نوع دوم برای کسانی که به اسلام گرویده بودند. برای خواندن قرآن، به تدریج عده‌ای الفبای عربی آموختند، ولی تعلیم اصول دین شفاهی بود و در مساجدی که کم‌کم در بعضی از شهرها برپا می‌گشت، انجام می‌یافت. برای توده‌ی مردم، به طور کلی وسایل تعلیم خواندن و نوشتن فراهم نبود، ولی اصول و فروع دین و اخبار و احادیث، در شهرهایی که مسجد داشت، به طور شفاهی بیان می‌شد. با ورود الفبای عربی به ایران و تعلیم قرائت

۲. آماده و تجهیز کردن افراد به منزله‌ی یک دوره‌ی پیش‌نیاز و آمادگی برای ورود به مدارس علمیه.

روش آموزش

روش آموزش در مکتب‌خانه‌های ایران، آموزش فردی بود و هر شاگرد که از معلم درس می‌گرفت، خود آن درس را به شاگردان دیگر در سطوح پایین‌تر می‌آموخت. در مکتب، غالباً یادگیری براساس حفظ مطالب صورت می‌گرفت. برای تأمین نظم و انضباط نیز تنبیه رایج بود.

عقیده‌ی شگفت‌انگیز

از نکات شگفت‌انگیز آموزشی در آن دوره، عقیده‌ی مردم آن زمان (قرون اولیه‌ی هجری) در مورد اثر ویژه‌ی آموزش مکتبی در شکل بخشیدن به توانایی‌های کودک است. اگر شاگردی در پایان یک مدت آموزشی، خواندن و نوشتن نمی‌دانست، مقصر شناخته نمی‌شد، بلکه این معلم بود که مورد سرزنش قرار می‌گرفت و گاه از خدمت معلمی خلع می‌گردید. در آموزش کودک، به عناصر محیط اهمیت بیشتری داده می‌شد تا به توانایی‌های ارثی یا قدرت یادگیری ذاتی.

در شماره‌ی آینده، درباره‌ی چگونگی تشکیل مدارس در ایران صحبت خواهیم کرد.

و کمبود محل مناسب و نیز عدم رعایت طهارت توسط کودکان ذکر کرده‌اند. هدف اصلی و دائمی مکتب، آموزش خواندن و نوشتن به مردم، و آشنا کردن آن‌ها با اصول و قواعد دینی بود. افزودن بر آن، دانش‌آموز در کنار فراگیری متن، احترام به معلم و علم را نیز می‌آموخت و اولین تعلیم معلم، شکل دادن رفتار و دیدگاه دانش‌آموز نسبت به دانش و معلم بوده است.

حقوق آموزگاران و کرایه‌ی محل مکتب، توسط اولیای شاگردان پرداخت می‌شد. علاوه بر «درس‌بها»، آموزگار گاهی از شاگردان، به مناسبت عید، هدیه‌ای می‌گرفت و یا برای ختم قرآن از سوی شاگردان، مبلغی به عنوان «حق ختم» به وی پرداخت می‌شد. درس‌بهای معلمان به شکل ثابت و یکسان نبود.

موضوعاتی هم‌چون ورود و خروج، حضور و غیاب، تنبیهات و تشویقات، همه به وسیله‌ی معلم و در چارچوب پیشنهادهای اولیای مذهبی وقت صورت می‌گرفت.

در بعضی کشورهای مسلمان، مکتب‌ها مختلط نبودند. مکتب‌خانه‌هایی برای پسران با معلم مرد وجود داشت، اما در ایران می‌توان صراحتاً ابراز کرد که مکتب‌خانه‌ها مختلط بودند و دختر و پسر با هم به کلاس می‌رفتند.

سازمان‌دهی مواد آموزشی

سازمان‌دهی مواد آموزشی توسط معلم صورت می‌گرفت و نظام مکتبی تشکیلات مرکزی واحد نداشت. اصولاً معلمان فرصت‌های تمرین تجربی را برای شاگردان در کلاس فراهم می‌کردند و همان‌جا یادگیری تحت نظم و انضباط در می‌آمد و با یادآوری تقویت می‌شد. آموزگار با پس گرفتن درس خوانده شده در مکتب‌خانه، آموخته‌های شاگرد را ارزش‌یابی می‌کرد.

ورود به مکتب

برای ورود به مکتب، هیچ‌گونه محدودیت سنی و یا اجباری وجود نداشت. چرا که هیچ‌گاه برای آموختن خواندن و نوشتن دیر نبود و شاگرد در هر لحظه از سال می‌توانست به راحتی وارد مکتب شود. مکتب را عموماً اشخاص تأسیس می‌کردند. لذا سازمان و ضوابط درونی واحدی برای آن وجود نداشت و براساس سلیقه و خواست مؤسس آن اداره می‌شد. البته اراده و خواست مکتب‌دار نیز نقش اساسی را داشت.

با توجه به پراکندگی و گوناگونی مکتب در ایران، به طور کلی می‌توان دو هدف اساسی برای آن ذکر کرد:

۱. تجهیز کردن مردم برای زندگی و دادوستد و ارتباط متقابل، به حداقل سواد مورد نیاز جامعه و زمان؛

اگر شاگردی، در پایان دوره، خواندن و نوشتن نمی‌دانست، مقصر شناخته نمی‌شد



منابع

۱. درانی، کمال. تاریخ آموزش و پرورش: قبل و بعد از اسلام. سمت. تهران. چاپ سوم، ۱۳۸۰.
۲. صدیقی، عیسی. تاریخ فرهنگ ایران. دانشگاه تهران. تهران. چاپ پنجم، ۱۳۴۹.
۳. ضوابطی، مهدی. پژوهشی در نظام طلبگی. بنگاه ترجمه و نشر کتاب. ۱۳۵۹